



• درآمد

گفت‌وگو با آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به علت مشغله‌های فراوان میسر نشد، لیکن مصاحبه‌های قبلی ایشان به دفترشان ارسال و مطالب جدیدی به آن افزوده شد که بدین وسیله سپاسگزاری می‌کنیم.

■ «سلوک علمی و مبارزاتی شهید قدوسی» در گفت و شنود با آیت‌الله هاشمی رفسنجانی

به نظم و قاطعیت زبان زد بودند...

از دوستان از جمله حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب، آیت‌الله قدوسی، آیت‌الله مشکینی و آیت‌الله ربانی شیرازی تشکیل دادیم که به ظاهر برای رفع نابسامانی‌های حوزه و نظم بخشیدن به ساختار حوزه و درس‌ها و کنترل ورود و خروج به حوزه بود، اما عملاً بنیانش برای تشکیلاتی بود جهت تاسیس حکومت اسلامی و رسیدن به اهداف مبارزاتی حضرت امام در غیاب ایشان که در زندان بودند. مبارزه در آن زمان به صورت جلسات، اعلامیه‌ها، سخنرانی، اعزام طلبه‌ها و شب‌نامه‌ها بود. آیت‌الله قدوسی مسئول اطلاعات این مجموعه شد و تا سال ۴۵ کارهای بزرگی انجام شد، اما ساواک اساس نامه تشکیلات را از یکی از افراد به دست آورد و تشکل لو رفت. یک وقت ساواک ریخته بود به محل کار ایشان و با تفتیش آن محل، اساس نامه به دست آمده بود و تعدادی از افراد گروه بازداشت شدند.

بعد از اینکه از ایشان بازجویی کردند، شروع کردند به گرفتن ما و ما هم متواری شدیم. بعضی‌ها را گرفتند، منجمله آقای منتظری، آقای ربانی شیرازی و آقای قدوسی و ما هم به تهران رفتیم. آیت‌الله خامنه‌ای را که آن موقع در مشهد بودند و هنوز از موضوع مطلع نبودند، در تهران دیدم و موضوع را به اطلاع ایشان رساندم. ساواک بعداً به این نتیجه رسید که این تشکل به جانی نرسیده و اول کارش بوده. محمل کار هم این بود که افراد دستگیر شده گفته بودند برای نظم حوزه و اداره امور طلبه‌ها، این جمعیت را درست کردیم، در نتیجه از لحاظ ساواک، جرم چندانی اتفاق نیفتاده بود و در نتیجه، سایر اعضا را تعقیب نکردند. بعداً که من دستگیر شدم، فقط یک سؤال کردند و خیلی تعقیب نکردند. بازداشت شهید قدوسی به این خاطر بود که البته دوران کوتاهی بود. بعد از اینکه ایشان آزاد شدند، ما با تماس گرفتند و سؤالات بازجویی ساواک را برای ما گفتند و برای ما روشن شد که چه مسائلی دست ساواک است و اگر ما دستگیر شدیم چه باید بگوئیم.

علت تشکیل مدرسه حقانی توسط شهید قدوسی و دوستان ایشان چه بود؟

علت آن چیزی بود که در ذهن خیلی‌ها بود و این بود که حوزه نظم جدی نداشت و هر کسی در هر سطحی از معلومات وارد حوزه می‌شد. هیچ‌کس نمی‌پرسید چرا آمدی و هر وقت هم می‌خواست، می‌رفت، در هر درسی می‌خواست شرکت

ایشان انجام می‌دادیم. علت دستگیری و زندانی شدن شهید قدوسی در سال ۴۵ و رابطه ایشان با شهید آیت‌الله بهشتی در آن زمان چه بود؟
بعد از خرداد ۴۲ که ما با ایشان همکاری داشتیم، از مدرسین فعال در امر مبارزه و از رهبران مدرسین مبارز بودند و فکر می‌کنم در آن موقع، با مرحوم بهشتی هم ارتباط داشتند. البته در آن موقع، شهید بهشتی را به تهران تبعید کرده بودند و بعد هم که ایشان به آلمان رفتند. ایشان همچنان رابطه و همکاری مکاتبه‌ای با شهید بهشتی داشتند، ولی در قم بیشتر با ماها فعال بودند تا مرحوم بهشتی برگشتند و همکاری ایشان در مدرسه حقانی گسترش پیدا کرد.

در سال ۴۳، جمعی که مبارزه را اداره می‌کردیم، تصمیم

خدماتی که ایشان در تنظیم دادگاه‌های انقلاب کردند، یک ابتکار بود و سابقه‌ای نداشت و از هیچ شروع شده و بیشتر به همان دست پرورده‌های خودشان در مدرسه حقانی متکی بود. این نیروی خوبی بود که از آنها شناخت داشتند و با آنها کار را شروع کردند و باید بگوئیم که بسیار هم موفق بودند.

گرفتم حزب بی‌سازمانی مخفی و یا هرچه که اسمش را بگذاریم، برای اداره مبارزه به وجود بیآوریم، چون کم‌کم داشت کار علمی مشکل می‌شد و جمع ما به ۱۱ نفر رسیده بود. در این موقع کارهای مبارزه را اداره می‌کردیم. این جمع از شاگردان امام برای ایجاد شرایط جدید یک تشکل اسلامی را در حوزه بنا نهادند، زیرا دریافته بودند تشکیلات و سازمان و برنامه ریزی منظم نمی‌تواند در مسیر مبارزه با یک رژیم مورد حمایت شرق و غرب گام برداشت. یک پوششی به نام جامعه مدرسین برای اصلاح حوزه را با کمک یازده نفر

آشنایی شما با شهید بزرگوار آیت‌الله قدوسی از چه زمانی و چگونه آغاز شد؟

در مورد شهید آیت‌الله قدوسی مطالب زیادی برای گفتن دارم، چون ایشان یکی از دوستان صمیمی و هم‌رمز و هم‌کار ما بودند و ما مدت طولانی با هم کار می‌کردیم. مبدا آشنایی من با ایشان دقیقاً یادم نیست. در اواخر دهه ۴۰-۳۰ در قم با ایشان آشنا بودم و جزو دوستان حساب می‌شدیم. آنچه که خوب به‌خاطرمان مانده، دوستی و همکاری‌مان بعد از شروع نهضت روحانیت به رهبری امام خمینی از سال ۴۱ به بعد است. از این موقع که مبارزات شروع شد، ایشان جزو افراد فعال مبارزه بودند و ما هم با ایشان همکاری داشتیم. از آن موقع تا به حال من یکنواخت و تا آخرین روز زندگی‌شان، رفاقت و صمیمیت و همکاری داشتیم و این شهادت از مواردی بود که بسیار من متأثر شدم، چون جای ایشان با آن خصوصیتی که داشتند به‌رحمت پر می‌شود.

خصوصیات بارز ایشان چه بود؟

یک خصوصیت بارز ایشان نظم و قاطعیت بود. در بین همه ما، ایشان به نظم و قاطعیت زبانزد بود و به همین دلیل برای ایشان مدیریتی قائل بودیم و کارهایی که آن روزها احتیاج به مدیریت قاطعی داشت، به ایشان سپرده می‌شد. به همین دلیل هم ایشان را مسئول محاکمات آن زمان کردند. در روزهای اول انقلاب که خیلی بی‌نظم بود اول مسئول زندانی‌های بازداشتی از رژیم قبل بودند و انتخاب ایشان برای این بود که بشود به آنجا نظم داد.

فعالیت‌های سیاسی ایشان از چه زمانی و چگونه آغاز شد؟

من نمی‌دانم قبل از آشنایی‌مان فعالیت سیاسی و اجتماعی را از کی شروع کردند، ولی ما از شروع نهضت روحانیت، ایشان را در میدان مبارزه دیدیم. من شخصاً با ایشان بعد از شروع نهضت در مبارزات همکاری داشتیم. شهید آیت‌الله قدوسی بدون شک از پیشگامان نهضت مبارزه با رژیم پهلوی بود. اولین همکاری همه‌جانبه و جدی‌ای که با ایشان داشتیم، در مورد یکی از نشریات مخفی حوزه بود. در کار اعلامیه‌ها نیز همکاری می‌کردیم. وقتی که امام بازداشت شد و یا در قیصریه بودند، ما به این آقایان خیلی نزدیک بودیم و بسیاری از کارهای حوزه را که مربوط به بخش مبارزات بود، با همکاری



دادگاه های انقلاب را که یکی از سخت ترین و خطرناک ترین مسئولیت ها بود، برعهده گرفت و به نظم درآوردن وضعیت قضایی و دادگاه های کشور موجب خشم منافقین کوردل شد و در نهایت ایشان به موجب دشمنی این گروهکها به شهادت رسید.

به نظر می رسد آیت الله قدوسی یکی از شهدای مظلومی است که کمتر از ایشان یاد می شود. برای زنده ماندن راه و خون ایشان چه پیشنهادی دارید؟

برای زنده ماندن آثار وجودی ایشان و برای اینکه جامعه استفاده بکند، من خیال می کنم باید گروهی از شاگردان و همکاران و دوستان ایشان که فراغت بیشتری دارند بنشینند و یک تاریخچه تحلیلی خوبی از کارهای ایشان تهیه کنند که در اختیار دیگران گذاشته شود، چون زندگی ایشان می تواند الگو باشد برای روحانیون دیگر. از نظم و قاطعیت ایشان تا مدیریت، ایمان و اعتقادشان، ایشان واقعا آدم مؤمن بودند و متعبد و متشرع و پرکار، اینها می تواند الگوهای خوبی برای زندگی دیگران باشد. توصیه می کنم کسانی که بهتر ایشان را می شناسند و فراغت این را هم دارند این زحمت را بکشند و این خدمت را به جامعه بکنند.

از خاطرات مهمی که من از ایشان دارم، یکی همان موقعی بود که خبر شهادت فرزندشان در جبهه از سوسنگرد رسید. این خانواده شهید پرور شهید دیگری را در جنگ به امت حزب الله تقدیم کرد، شهید محمد حسن قدوسی دانشجوی بسیار موفق دانشگاه مشهد، از پیشتازان شرکت در جنگ تحمیلی بود که در هویزه به شهادت رسید و جنازه ایشان نیز هرگز پیدا نشد. موقعی که عاشورای هویزه بود یا عاشورای سوسنگرد، عده ای پاسدارها در یک درگیری شهید شده بودند و فرزند ایشان جزو شهدا بود البته، چند روزی روشن نبود و در آن دوران، برخوردی که ایشان می کرد با شهادت فرزندش برای ما خیلی جالب بود و راهنما. شهید آیت الله قدوسی داماد خانواده علامه طباطبایی بود که حاصل پیوند این دو خانواده، به وجود آمدن نسلی با برکت برای انقلاب و حوزه بود و ما امروز از آن بهره می بریم و تاکنون اقدامات آنان در بسیاری از امور علمی و فلسفی ماندگار و راهگشا بوده است.

خداوند مقام ایشان را که عالی است عالی تر بفرماید ان شاء الله. ■

امام در میان دوستان ما، برای اینکه کسی بیاید و به اینجا نظامی بدهد، آقای قدوسی را مناسب تشخیص دادند و دستور دادند که ایشان مسئول این کار بشوند و همان کم کم منجر شد به اینکه ایشان دادستان کل انقلاب شوند.

خدماتی که ایشان در تنظیم دادگاه های انقلاب کردند، یک ابتکار بود و سابقه ای نداشت و از هیچ شروع شده و بیشتر به همان دست پرورده های خودشان در مدرسه حقانی متکی بود. این نیروی خوبی بود که از آنها شناخت داشتند و با آنها کار را شروع کردند و باید بگویم که بسیار هم موفق بودند.

البته، کسانی که بعد آمدند و دیدند که یک نواقصی در دادگاه های انقلاب هست، ممکن است خرده گیری کنند، ولی اگر توجه بکنند که این مسئله با هیچ و از هیچ شروع شد و در زمانی هم شروع شد که انبوهی از کله گنده های رژیم گذشته را از عوامل دربار و آمریکا و انگلیس و سایر ابرقدرت ها، بازداشت کرده بودیم و خیلی مشکل بود و کار بزرگی بود که برخوردی متناسب با این قضیه بشود. این مقداری که اینها موفق بودند، کار خیلی ارزنده ای بود و باید یک تحلیل حسابی روی این مسئله نوشته شود و بررسی شود تا جامعه بفهمد که این مرد چقدر بر قدرت بود که توانست آن سازمان را با آن مشکلات راه بیندازد.

بعد، مراحل بعدی پیش می آید که پس از گذشت مرحله اول که بازداشت و محاکمه و کیفر و اعمال سزاوایی ها و رژیم گذشته بود، کم کم گروهکها در مقابل جمهوری اسلامی قرار گرفتند که مرحله دشوارتری آغاز می شود، چون ما آمادگی چندانی نداشتیم و اینها خودشان را برای مبارزه آماده کرده بودند و مسلح شده بودند. باز مرحوم قدوسی در این دوره از خودش ابتکار نشان داد و آن تصمیماتی که اتخاذ شد و اعلامیه ۱۰ ماده ای و برنامه های دیگری که داشتند که خیلی

من خیال می کنم باید گروهی از شاگردان و همکاران و دوستان ایشان که فراغت بیشتری دارند بنشینند و یک تاریخچه تحلیلی خوبی از کارهای ایشان تهیه کنند که در اختیار دیگران گذاشته شود، چون زندگی ایشان می تواند الگو باشد برای روحانیون دیگر. از نظم و قاطعیت ایشان تا مدیریت، ایمان و اعتقادشان، ایشان واقعا آدم مؤمن بودند و متعبد و متشرع و پرکار، اینها می تواند الگوهای خوبی برای زندگی دیگران باشد.

طولانی است و این را باید در تاریخ زحمات ایشان مشخص کنید

در این دوره هم ما، خاطرها و نقاط حساس تاریخی فراوان داریم، چون هر روزمان یک مسئله بود، هر روزمان یک حادثه مهم پیش می آمد و دادگاه های انقلاب هم در مرکز این حوادث بودند. ما هم به خاطر مسئولیت هایی که در شورای انقلاب و بعد هم در مجلس و وزارت کشور داشتیم، دائما با این مسائل سر و کار و دائما جلسه داشتیم و تصمیمات آنی برای این پیشامدها می گرفتیم که باز اینها را باید جداگانه تحلیل کرد. آیت الله قدوسی از متقدمین نظم دهنده به حوزه علمیه قم با استفاده از تجارب قبل از انقلاب خود مسئولیت

می کرد و امتحان اجباری نبود. اکثر حوزه های علمیه این طور بودند. آن موقع به خاطر گرفتاری های سیاسی احساس شده بود که خوب است نظم داشته باشیم و یکی از اقدامات برای نظم این بود که مدرسه های تاسیس بشود که طلبه ها در آنجا به طور منظم، هدفدار و تحت کنترل، درس بخوانند و مدرسه حقانی به وجود آمد. ایشان هم به خاطر آن روحیه نظمی که در ایشان سراغ داشتیم، مدیریت آن به عهده ایشان گذاشته شد و خوب هم اداره کردند.

برنامه مدرسه حقانی چه بود؟

مدرسه حقانی برنامه اش مشخص بود، اساتیدش مشخص بودند، دوره اش مشخص بود، کتاب هایش مشخص بودند و اینها چیزهایی بود که در آن موقع در حوزه نبود و به همین دلیل فارغ التحصیلان این مدرسه، جزو افرادی هستند که حساب شده تربیت شدند و امروز هر جا که هستند، اکثرا جزو افراد مفید و موثر هستند. در آنجا انتخاب افراد با حساب بود و افراد باصلاحیت و بااستعداد انتخاب می شدند، بعد هم تربیتشان حسابی داشت و در نتیجه بعد از یکی دو سال اول، طلبه هایی که آنجا بودند افراد موثر و خوبی بودند. بعدها از این گونه مدارس با کمی تفاوت زیاد شد. البته ساواک کم کم فهمیده بود که آنجا دارد یک تحولی در حوزه به وجود می آورد، به خصوص محصلین آنجا هم اکثرا افراد فعال و مبارزی بودند و ساواک حساسیت پیدا کرده بود و این اواخر شروع کرده بود به ایجاد مراقبت. تلاش های شهید قدوسی برای نظم بخشیدن به پذیرش طلاب و روند تحصیلی آنان در مدرسه علمیه حقانی سبب شد افرادی در این مدرسه پرورش یافتند که امروز مسئولیت های مهم کشوری را برعهده دارند.

نقش شهید قدوسی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی چگونه بود؟

همان طور که عرض کردم از همان روزهای اول بعد از انقلاب که ما برای اداره کشور احتیاج به مدیر داشتیم، یکی از چهره هایی که خیلی زود توجه همه را جلب کرد، مرحوم شهید قدوسی بود. یکی از جاهائی که خیلی بی سر و سامان بود، زندانها بودند و محاکمات و بازداشتها، چون می دانید در همه زندانها باز شده بود و زندانی ها فرار کرده بودند. سران رژیم شاه و کله گنده ها را هم می گرفتند و زندان و جای معینی هم برای نگهداری آنها نبود و مسئولی نداشت. روزهای اول، اینها را در مدرسه رفاه تسوی زیرزمین نگاه می داشتند و بعد به جاهای دیگر بردند. زندان قصر را که مردم خراب کرده بودند، داشتند درست می کردند. طبعا برخوردها هم یکنواخت نبود و برخورد با کسانی که بازداشت می شدند، دلخواهی بود و هر کسی با ابتکار خودش برخورد می کرد.

